



## نقش بی‌سازمانی اجتماعی بر بروز جرم سرقت

### (مطالعه موردی شهر سرپل ذهاب و قصر شیرین)

ادیب شریفی ۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

#### چکیده

سرقت یکی از جرائم مالی در تمامی کشورهای جهان شناخته شده است و سیستم قضایی هر کشوری برای آن مجازاتی را تعیین کرده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی بر بروز جرم سرقت در شهرهای سرپل ذهاب و قصرشیرین، با استفاده از روش تحقیق پیمایش و ابزارگردآوری پرسشنامه محقق‌ساختار صورت گرفته است. با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی تعداد ۱۸۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش تعیین گردیده است. در پژوهش مؤلفه‌هایی مانند: سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی، وضعیت بوم‌شناختی، طراحی محیط شهری و ویژگی‌های جمعیتی به‌عنوان شاخص‌هایی برای بی‌سازمانی اجتماعی موردتوجه بوده است که از طریق این مؤلفه‌ها سعی بر تبیین محل زندگی سارق و عواملی که منجر به تربیت افراد بزهکار از یکسو و عواملی که موجب می‌شود برخی مکان‌های شهری بیشتر مورد هدف جرم واقع شوند از دیگر سوی مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان داده است تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی بر بروز جرم سرقت چه در بعد مکان زندگی و چه در مورد مکان هدف، معنادار بوده است.

**کلید واژگان:** طراحی محیطی، بوم‌شناختی، نظارت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی.

## مقدمه و بیان مسئله

شهرنشینی و شهر گرایی بعد از انقلاب صنعتی به سرعت تبدیل به نوع غالب زندگی اجتماعات انسانی در سراسر کره زمین گردید. شهرنشینی که مترادف تراکم جمعیت و ازدحام کاربری‌های مختلف است علاوه بر امتیازاتی که برای جامعه بشری با خود به ارمغان آورد لکن در بطن خویش موجد مسائل زیادی نیز بود. از جمله مهم‌ترین این مسائل بحث انحرافات اجتماعی و جرائم شهری است. که علاوه بر هدف قرار دادن اخلاق، امنیت و هنجارهای اجتماعی باعث تحمیل بار مالی فراوانی جهت مقابله و پیشگیری برای دستگاه‌های حاکم شده است (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵).

یکی از انواع جرائم اجتماعی، جرم سرقت است. اصطلاح سرقت به‌طور گسترده‌ای برای جرائم مربوط به تصرف اموال شخص بدون اجازه آن‌ها به کار می‌رود. اما سرقت معنای حقوقی بسیار گسترده‌ای دارد که ممکن است بیش از یک دسته و چندین درجه از جرائم را شامل شود (Burnesa et al, 2020: 342). بنابراین در بروز جرم سرقت باید به مؤلفه‌های گوناگونی توجه کرد. به‌عنوان مثال تحقیقات معاصر به‌طور تجربی تأثیر ویژگی‌های محیطی جرم‌زایی بالقوه را بر تعدادی از انواع جرائم مخصوص سرقت مورد آزمایش قرار داده‌اند که ریشه آنان در بعد تحلیل مکانی، در نقد محیطی و کالبدی شهر و محل زندگی است. بنابراین چشم‌اندازی از دیدگاه‌های متشکل با منافع مشترک در جنبه‌های موقعیتی جرم، فعالیت‌های روتین، انتخاب عقلانی و مباحث مرتبط با نظریه‌های الگوی جرم وجود دارد که در آن تئوری فعالیت‌های روتین جرم و جنایت را در نتیجه هم‌گرایی فضایی و زمانی یک مجرم احتمالی و یک هدف مناسب در غیاب یک محافظ توانمند در نظر می‌گیرد (Pizza, E, 2016: 3). همچنین در زمینه‌ی جرم سرقت، الگوی رفتاری جمعیت تعیین می‌کنند که کجا و چه زمانی این عناصر جرم‌زا به احتمال زیاد همگرا می‌شوند و در همین زمینه دیدگاه انتخاب عقلانی، جرم سرقت را یک فرآیند ارزیابی در نظر می‌گیرد که در آن مجرم بالقوه ریسک‌ها و پاداش‌های ذاتی در یک فرصت جرم و جنایت معین را در نظر می‌گیرد در حالی که چنین تصمیماتی به‌طور معمول در حالت عقلانیت توسط زمان و اطلاعات محدود رخ می‌دهد، مجرم با این حال موقعیت را مناسب یا نامناسب ارزیابی می‌کند (Clarke and comish, 1985: 155). پیچیدگی جرائم اجتماعی مخصوص جرم سرقت زمانی بیشتر می‌شود که



دریابیم دیدگاه فعالیت‌های روتین و انتخاب منطقی و محیطی وابسته به دیدگاه الگوی جرم است که آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. الگوی جرم، الگوها رفتاری روزانه را شامل سه نوع فضای فعالیت در نظر می‌گیرد که شامل گره‌ها (مکان‌هایی که در آن مردم مقدار زیادی از زمان را صرف می‌کنند و مانند خانه، محل کار و مکان‌های تفریحی). مسیرها (مسیرهای سفر بین گره‌ها) و لبه‌ها (مرز بین مناطق مختلف) هست (Brantingham and, 1993: 25). برای این اساس می‌توان گفت ویژگی‌های محیطی (طراحی محیطی، شرایط اجتماعی و اقتصادی، زیستی و بوم‌شناختی) رفتار انسان را به خاطر تأثیرات فضایی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاپلان استدلال می‌کند که توزیع ویژگی‌های خاص در سراسر فضا می‌تواند بر جذب عناصر جرم‌زا به شیوه‌ای که الگوهای جرم و جنایت را شکل می‌دهد و حفظ می‌کند تأثیر بگذارد (Caplan, 2011: 63). اهمیت پژوهش حاضر زمانی بیشتر نمایان می‌گردد که اظهارکنیم علاوه بر موارد گفته‌شده، ناتوانی یک محله در تنظیم رفتار اعضای خود و شکست کلی در انسجام هنجاری بر بروز سرقت تأثیر می‌گذارد که از آن تحت عنوان اختلال نظم اجتماعی یاد می‌شود (Partt and cullan, 2005: 378). با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان گفت در بروز رفتارهای انحرافی و سرقت، عوامل و مؤلفه‌های متعددی در ارتباط هستند که فرد را به سمت رفتار مجرمانه سرقت سوق می‌دهد. این عوامل در ابعاد مکانی اهمیت بیشتری دارد یعنی اینکه در بررسی جرم سرقت به نظر می‌رسد علاوه بر مطالعه محل زندگی و علل گرایش بزهکاران به سرقت، باید به مطالعه مکان‌های هدف سرقت نیز پرداخت و با مقایسه پارامترهای اجتماعی، روانی و اقتصادی این دو بعد مکانی به تجزیه و تحلیل‌های واقعی‌تری دست‌یافت. بنابراین انجام پژوهش‌های جامع با دید کلان در زمینه‌ی بروز این‌گونه انحرافات با هدف پیشگیری از آن بسیار ضروری و حائز اهمیت است. که در پژوهش حاضر بر اساس تئوری بی‌سازمانی اجتماعی درصدد تبیین آن هستیم. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناخت نقش مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی بر بروز جرم سرقت است اما اهداف جزئی‌تری نیز مدنظر بوده که عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین تأثیر ویژگی‌های بوم‌شناختی (قومیت، مهاجرت، تراکم جمعیت) بر شکل‌گیری جرم سرقت و انواع آن.
- ۲- شناخت رابطه بین طراحی محیطی بر شکل‌گیری جرم سرقت و انواع آن.



- ۳- شناخت رابطه بین مؤلفه‌های جمعیتی (سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات) بر شکل‌گیری جرم سرقت.
- ۴- تعیین تأثیر سطح سرمایه اجتماعی بر بروز جرم سرقت
- ۵- تعیین تأثیر کنترل اجتماعی بر بروز جرم سرقت

### پیشینه پژوهش

درزمینه‌ی انحرافات اجتماعی بخصوص جرم سرقت پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که طیفی از مفاهیم تک‌ساحتی تا چندساحتی را در برمی‌گیرد که به تشریح برخی از آن‌ها پرداخته شده است.

درشتی (۱۳۹۹) به بررسی «نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن بر سرقت با تأکید بر پدیده مهاجرت (مطالعه موردی: تهران بزرگ)» پرداخته‌اند و نشان داده‌اند مهاجرت و حاشیه‌نشینی بیشترین تأثیر را بر نرخ سرقت دارد. درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر جرم مالی در ایران با تأکید بر ادوار تجاری و آسیب‌های اجتماعی» نشان داده‌اند که داده‌های جرم در ایران، به‌ویژه جرائم مالی، از انتهای دهه ۸۰ دارای روند افزایشی بوده است. جی با و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی «عوامل مؤثر محیطی در پیشگیری از وقوع سرقت مورد مطالعه: شاهرود» پرداخته‌اند یافته‌های تحقیق بر اهمیت نقش مکان در شهر شاهرود در میزان و فراوانی جرم سرقت تأکید داشته است بیش‌ترین سرقت‌ها مربوط به شهرک‌های حاشیه شهر، مثل شهرک فدک، کوثر، بهشتی، پردیس و دو شهرک در داخل شهر به نام شهرک ولی‌عصر و شهرک انقلاب رخ داده که نقش و تأثیر کالبد و فیزیک شهرها و طراحی مناسب فضاها و مجتمع‌های زیستی شهری تأثیر مستقیمی بر کاهش و پیشگیری از جرم داشته است. پور غلامی سروندانی و همکاران (۱۳۹۷) مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل عوامل اجتماعی و جغرافیایی مؤثر بر پدیده سرقت در شهرستان بندرعباس» انجام داده‌اند و نشان داده‌اند که فقر فرهنگی، نقش اساسی در ایجاد جرم دارد و غالب مجرمان بی‌سواد بوده و در اثر فقدان امکانات رشد فکری، برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه‌های دیگر فرهنگی مانند توانمندی‌های جسمی بهره‌جسته‌اند. وجود بیکاری و فقر باعث ایجاد یک رابطه معنادار بین شرایط اقتصادی فرد مرتکب به سرقت شده است. نتایج نشان داد هر چه خاستگاه سارق، آلوده‌تر و جرم‌خیزتر باشد، احتمال انجام سرقت توسط وی بیشتر است.



بهزاد پور و حسینی غیاث وند (۱۳۹۷) به بررسی «مطالعه تطبیقی عوامل کالبدی مؤثر بر پیشگیری از وقوع سرقت از ساختمان‌های مسکونی در بافت‌های فرسوده و جدید شهری با استفاده از روش تحلیل شبکه (ANP)» پرداخته‌اند. هدف مطالعه، ارائه مدل تحلیلی از شاخص‌های کالبدی مؤثر بر پیشگیری از وقوع جرم (سرقت) از ساختمان‌های مسکونی و مطالعه تطبیقی این شاخص‌ها در بافت فرسوده و جدید شهری قزوین و جامعه مدنظر پژوهش، منطقه یک (بافت فرسوده) و منطقه سه شهرداری (بافت جدید) بوده است. مطابق نتایج به‌دست‌آمده، در زمینه پیشگیری از وقوع سرقت از ساختمان‌های مسکونی از میان اصول پنج‌گانه این رویکرد «نظارت طبیعی» با وزن ۰/۳۲ و «کنترل دسترسی» با وزن ۰/۲۶ بیشتر از سایر موارد نقش دارند. نتایج نشان می‌دهد منطقه ۱ شهرداری قزوین، از نظر رعایت عوامل کالبدی برای پیشگیری از وقوع سرقت وضعیت نسبتاً نامناسبی دارد که در این بین، پهنه ۱ با امتیاز ۱/۱۱ نامناسب‌تر است. ریچارد و سیمیلا (۲۰۲۰) به بررسی «مشخصات جامعه‌شناختی محکومان سرقت مسلحانه در زندان‌های زن گیریکیری، لائوس، نیجریه» پرداخته‌اند.

این مقاله مشخصات جامعه‌شناختی زنان درگیر در سرقت مسلحانه مورد بررسی قرار گرفته است حجم نمونه ۳۲ نفر بوده است. آنان نشان داده‌اند که تبعیض جنسیتی در همه جنبه‌های اجتماعی و شرایط اقتصادی و اقتصادی نامساعد در نیجریه، آسیب‌پذیری زنان را برای جذب در جرم و جنایت افزایش می‌دهد. احیای نهاد خانواده، فرزند پروری خنثی از جنسیت، مداخلات دولت برای بهبود رفاه اقتصادی-اجتماعی و آموزش جنسیتی از جمله شاخص‌های پیشگیری‌کننده معرفی شده است.

فلسون و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «اثرات فعالیت روتین همه‌گیر Covid-19 در سرقت در دیترویت، مارس، ۲۰۲۰» دریافتند؛ شیوع ویروس کرونا منجر به سیاست‌های مهار در بسیاری از مکان‌ها، با تغییرات هم‌زمان در فعالیت‌های معمول شده است. در نتیجه کاهش عمده جرم گزارش شده است.

هال فورد و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی «جرم و ویروس کرونا: فاصله اجتماعی، قفل‌شدن و قابلیت تحرک جرم» پرداخته‌اند. در این پژوهش با مقایسه یک دوره پنج‌ساله با هم‌زمانی ارائه فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه‌خانی، درصد تبیین روند جرائم بوده‌اند که نشان داد ۴۱ درصد جرائم با این سیاست کاهش یافته است. این

تغییرات در ارتباط با جرم سرقت شامل مواردی مانند، سرقت در مغازه (۶۲٪-)، سرقت (۵۲٪-)، سو استفاده خانگی (۴۵٪-)، سرقت از وسیله نقلیه (۴۳٪-)، حمله (۳۶٪-)، سرقت از منزل (۲۵٪-) و سرقت از غیرمسکونی (۲۵٪-) بوده است بنابراین می‌توان گفت حضور افراد در منازل، تراکم جمعیت می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر سرقت عمل کند.

سکاتو و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی «پویایی سرقت‌ها و سرقت‌ها در مترو سائوپائولو، برزیل» پرداخته‌اند. هدف از این مطالعه ارزیابی ماهیت و پویایی فضایی-زمانی جرائم املاکی (سرقت) در گره‌های حمل‌ونقل، یعنی ایستگاه‌های مترو و مناطق نزدیک آن گزارش شده است. این تجزیه‌وتحلیل بر اساس داده‌های جرم و جنایت از طریق سیستم مترو سائوپائولو از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ انجام شده است. با استفاده از تئوری جرم‌شناسی محیطی، این روش ترکیبی از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و همچنین تجزیه‌وتحلیل آماری با استفاده از آزمون فرضیه و مدل‌های منفی رگرسیون دوجمله‌ای است. نتایج نشان داده است که سرقت‌ها بسته به زمان و مکان متفاوت است و بیشتر در داخل ایستگاه‌ها و انتهای آن رخ می‌دهد.

لی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی «جمعیت محیط و سرقت: تجزیه و تحلیل فضایی با استفاده از داده‌های تلفن همراه» پرداخته‌اند. روش تحقیق پیمایش بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که اندازه جمعیت غیربومی، میزان نظم اجتماعی محله، مکان و طراحی آن و درنهایت وضعیت نورپردازی محله با وقوع یا عدم وقوع سرقت رابطه معنادار داشته است.

### مبانی نظری پژوهش

#### نظریه کنترل اجتماعی

فرضیه اصلی این نظریه ارضا نشدنی بودن ماهیت انسان است. لذا از این نظر به دیدگاه دورکیم و هابس بازمی‌گردد. اصولاً جامعه شناسان بر این عقیده هستند که مردم از قوانین و هنجارهای اجتماعی پیروی کنند تا اینکه تحت تأثیر نظارت یا کنترل اجتماعی کج‌رفتار نشوند. اما دیدگاه کنترل اجتماعی بر این عقیده است که افراد انسانی اصولاً دارای قابلیت و استعداد بهنجار بودن یا ناهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. رفتار بهنجار یا ناهنجار، تنها در درون جامعه

دارای معنی است و هر جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. (ممتاز، فریده، ۱۳۸۱: ۱۱۹)

موضوع مورد بحث این نظریه این است که اصولاً چه عواملی منجر می‌شود که رفتار افراد محدود گردد. به تعبیر دیگر این نظریه معتقد است به جای اینکه باید پرسید که چرا کج رفتاری و انحراف در جامعه واقع می‌شود، باید سؤال کرد چرا همه مردم هنجارشکنی نمی‌کنند؟ بنیان این نظریه همان است که انسان‌ها موجوداتی هستند با آرزوهای نامحدود که برخلاف جانوران دیگر با برآورده شدن نیازهای زیستی‌شان سیری نمی‌پذیرند. به بیان دیگر، اگر هیچ عامل محدودکننده بیرونی نباشد، انسان‌ها هر چه بیشتر داشته باشند، بیشتر می‌خواهند و معمولاً برآورده شدن هر نیاز به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیازی تازه را هم برمی‌انگیزاند. پس می‌توان گفت: که آرزوها و خواسته‌ها، رفتارهای انسان را تنها می‌توان با نظارت‌های خارجی یعنی با کنترل اجتماعی مهار کرد. (ستوده، هدایت اله، ۱۳۷۸).

کنترل اجتماعی در واقع ادامه فرآیند اجتماعی شدن و مکمل آن است. در جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به فرد آموخته می‌شود و سپس به وسیله کنترل اجتماعی رفتار او تحت نظارت قرار می‌گیرد. کنترل اجتماعی به مکانیزم‌هایی اطلاق می‌گردد که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری به کار می‌برد. به مفهوم دیگر، کنترل اجتماعی به مجموعه عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع عواملی که به قصد جلوگیری افراد از کج‌روی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود. بالاخره کنترل اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادینی دانست که در اختیار جامعه قرار دارد و برای حصول اطمینان همخوانی رفتاری اعضای خود با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تأیید، از آنان استفاده می‌کند. (ستوده، هدایت اله، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

### طراحی محیطی (CPTED)

این نظریه بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرائم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری کرد. این فرایند، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط نامیده می‌شود. این پیشگیری، شاخه‌ای از رهیافت‌های مکانیکی در پیشگیری از جرم است که بر این باور است که مجرم ارتكاب جرم را

انتخاب می‌کند، جرم معلول فرصت است، مجرم فردی عقلانی است و جرم انتخابی عقلانی است و تأثیر گذاشتن بر عوامل وضعی راحت‌تر از تغییر و مبارزه با ضعف‌های بشری و اصلاح شخصیت افراد است در نتیجه راه‌حل مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را کم کردن فرصت‌های مجرمانه می‌داند. این نظریه را می‌توان به این‌گونه تعریف کرد: طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود (محمودی جانکی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴۸). در خصوص پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، سه دیدگاه یا رویکرد جداگانه وجود دارد. این اصطلاح اولین بار توسط جرم‌شناسی به نام (سی. ری. جفری) وضع گردید.

### اولین نظریه:

کاهش فرصت‌های محیطی ارتکاب جرم؛ پیروان جفری به‌خصوص تیم کرو، بیشتر این جنبه را مورد توجه قرار داده‌اند. وی به‌منظور کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم در محیط‌های مسکونی شهری، پیشنهادهای مؤثر و روشنی را به پلیس و طراحان شهری و همچنین معماران ارائه کرد. پیشنهادهای ارائه‌شده توسط کرو و دیگران در جلسات متعدد علمی و آموزشی در سراسر ایالات متحده آمریکا گسترش یافت. این نظریه بعدها به نام (CPTED) معروف شد.

### دومین نظریه:

نظریه فضا‌های قابل دفاع است. این نظریه توسط معماری به نام اسکار نیومن طراحی شد وی در کتابی که در همین زمینه منتشر کرد از شکل مجتمع‌های مسکونی در آمریکا به شدت انتقاد کرد. میزان بالای جرم در فضا‌های عمومی مربوط به مجتمع‌های مسکونی به علت فرم و طراحی نامناسب آن‌ها، همچنین رشد چشمگیر انبوه‌سازی منازل بدون توجه به مسئله تعاملات انسانی و روابط همسایگی در طراحی و معماری این‌گونه از منازل از مسائل مورد تأکید نیومن است. این وضعیت موجب شده تا اغلب برای ساکنان این‌گونه از مجتمع‌ها تشخیص همسایگان و ساکنان بومی از افراد غیر و همچنین بزهکاران و مجرمان دشوار باشد. به عبارت دیگر کنترل‌های غیررسمی در این محیط‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد و این امکان را فراهم می‌کند تا بزهکاران درحالی‌که ترس اندکی از دستگیری دارند مرتکب جرم شوند.



## نظریه سوم:

نظریه سوم مربوط به پیشگیری وضعی جرم از طریق طراحی محیطی است که توسط بخش تحقیقات جرم‌شناسی دولت بریتانیا در اواسط دهه ۱۹۷۰ تدوین گردید این نظریه برخلاف دو مورد قبلی، در نگاه اول به معماری فضاهای ساخته‌شده نمی‌پردازد، همچنین به حملات تهاجمی به‌منظور سرقت توجهی ندارد. بلکه می‌توان ادعا کرد این نظریه، یک دیدگاه کلی به‌منظور کاهش فرصت ارتکاب هرگونه جرم اعم از هواپیماربابی، کلاه‌برداری، تماس تلفنی شرم‌آور، خشونت در محیط‌های عمومی و یا خانوادگی و . . . ارائه‌شده است. بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در حوزه جرم و فرصت‌های محیطی در اصل بخشی از دستورالعمل پیگیری محیطی از جرم محسوب می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد تمام نظریات ارائه‌شده در خصوص فرصت‌های محیطی ارتکاب جرم، اساس نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی را تشکیل می‌دهند. همین موضوع باعث شده است تا این نظریه جایگاهی ارزشمند و قابل توجه در میان جرم‌شناسان پیدا کند (کلارک، ۱۳۸۷: ۳۴۶).

## نظریه پنجره شکسته

نظریه پنجره‌های شکسته (۱۹۸۲) محصول فکری دو جرم‌شناس آمریکایی به نام‌های جیمز ویلسون و جورج کلین است. ویلسون و کلین استدلال کردند که جرم نتیجه یک نابسامانی است. به‌طور مثال، اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود، آن فردی که تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی دارد، با مشاهده بی‌تفاوتی جامعه به این امر، دست به شکستن شیشه دیگری می‌زند و دیری نمی‌گذرد که شیشه‌های بیشتری می‌شکند و این احساس آنارسی و هرج‌ومرج از خیابان به خیابان و از محله‌ای به محله دیگر می‌رود و با خود سیگنالی را به همراه دارد از این قرار که هر کاری را که بخواهید مجاز هستید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود. بر اساس این نظریه، چنانچه شهروندان یک جامعه و ضابطان نسبت به جرائم خفیف و انحرافات خرد با دیده چشم‌پوشی برخورد کنند، این امر در درازمدت باعث می‌شود که در آن منطقه و محله بی‌نظمی به وجود آید و چنین تصور شود که آن محله یا گروه به گمان برخی از افراد صاحب ندارد که به انحرافات و کج‌روی‌ها پاسخ دهد. از دل این بی‌نظمی ناشی از

عدم برخورد با جرائم ساده و خفیف، جرائم بزرگ و شدید به وجود می‌آیند. بنابراین، جرم ناشی از تداوم بی‌نظمی است و برخورد قوی و قاطع و بدون چشم‌پوشی با جرائم ساده می‌تواند از بروز جرائم بزرگ‌تر جلوگیری کند. پیروان این نظریه چنین استدلال می‌کنند که کسانی که با پرسه زدن، استفاده از مواد مخدر، فعالیت در گروه‌های جنایی کوچک و نوشیدن علنی مشروبات الکلی نظم عمومی را مختل می‌کنند، کنترل آن‌ها مؤثرترین راه برای کاهش بی‌نظمی اجتماعی است (کاو، ۱۳۹۸: ۶۶).

### بوم‌شناختی

در دهه ۱۹۲۰ گروهی از جامعه‌شناسان که مقر آن‌ها در شیکاگو بود و بعدها به اعضای مکتب شیکاگو (Shicago School) شهرت یافتند، روشی با عنوان «بوم‌شناسی» برای مطالعه زندگی اجتماعی ایجاد کردند که به مطالعه روابط بین گروه‌های انسانی و محیط آنان می‌پردازد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کاربردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان برحسب محیط شهری او تبیین کرد. به‌ویژه آنان مدعی شدند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به وجود می‌آیند که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۲). دو تن از این جامعه‌شناسان به نام‌های پارک و برگس که درزمینه‌ی جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند، در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت تمرکز کردند. برخی از این متغیرها عبارت بودند از: زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت‌گاهی و تراکم جمعیت. به اعتقاد پارک و برگس، محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی - اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشین درهم‌تنیده است. پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و گرایش ساکنان ممانعت می‌کند و باعث انحرافات اجتماعی می‌شود. بر اساس نظریه برگس نیز که "الگوی نوع آرمانی" نام دارد، جامعه صنعتی کلان‌شهر از ۵ منطقه سکونت‌گاهی به شکل دوایر متحدالمركز از مرکز به پیرامون به ترتیب به شرح زیر تشکیل شده است:

منطقه تجاری - مرکزی، منطقه انتقالی، منطقه سکونت‌گاهی کارگران، منطقه سکونت‌گاهی طبقه متوسط، و منطقه با کم‌ترین جرم. برگس معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون: سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین نرخ جرم و بزهکاری

مشاهده می‌شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل: خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود. از طرفی، ارزش‌های سنتی فرهنگ قومی، توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را نداشته و آنان به یک وضعیت حاشیه‌ای کشیده می‌شوند. در نتیجه، فاقد هویت‌های گروهی و مرجع‌هایی می‌شوند که آنان را به سمت رفتاری که در جامعه مورد پذیرش است سوق دهد. در چنین شرایطی، گروه‌های هم‌سال و گروه‌های هم‌سال بزهکار جای خالی را پر کرده و راه‌حلی برای خروج از این وجود حاشیه‌ای ارائه می‌دهند. در وضعیت‌هایی که هیچ گروهی به‌عنوان یک گروه مرجع در صحنه حاضر نباشد، تداوم انزوا و تنهایی موجب ارتکاب رفتارهای بزهکارانه‌ای نظیر: استفاده از مواد مخدر و انحرافات جنسی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۵). پارک و برگس بر این باور بودند چنان‌چه اقلیت‌های فرهنگی و نژادی مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده و به‌عنوان یک‌خرده فرهنگ وارد مناطق شهری به‌ویژه سکونت‌گاه‌های فقیرنشین شوند؛ در شهرهای صنعتی این فرآیند تبدیل گروه‌های اقلیت به خرده‌فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر منتهی به ایجاد یک‌خرده فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد (احمدی، خواجه‌نوری و موسوی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). کلیفورد شاو و هنری مک کی نیز با استفاده از همین نظریه، شهر شیکاگو را به ۵ ناحیه تقسیم کردند. آن‌ها میزان تبه‌کاری را برای هر یک از این نواحی بررسی کردند و با استفاده از آمار بزهکاران دریافتند که میزان بزه‌کاری به ترتیب از ناحیه ۱ که مرکز تجارت است به سمت ناحیه ۵ که در حاشیه خاوری شهر قرار دارد کاهش می‌یابد (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۲). شاو و مک کی به این نتیجه رسیدند که تبه‌کاری در مناطق فقیرنشین و شلوغ به علت وجود خرده‌فرهنگ‌های جرم‌زا بیشتر از مناطق متوسط یا اعیان‌نشین است (صارمی، ۱۳۸۰: ۲۶). آن‌ها نتیجه به دست آمده را این‌گونه تبیین کردند که ناحیه ۱، به دو دلیل محل تردد و جابه‌جایی زیاد جمعیت است؛ اول این‌که مهاجرانی که از روستا به شهر می‌آیند چون اغلب پول کافی ندارند و مخارج در ناحیه ۱ کم‌تر است، معمولاً زندگی شهری خود را از این ناحیه آغاز می‌کنند. سپس بسیاری از مهاجران پس از تثبیت وضع خود به نواحی ثروتمند نقل مکان می‌کنند و جای خود را به افراد تازه‌وارد می‌دهند و دومین دلیل جابه‌جایی جمعیت، گسترش مرکز تجاری در این

ناحیه شهری است. هجوم به مناطق تجاری که قبلاً مناطق مسکونی بوده است، جابه‌جایی جمعیت را دامن می‌زند. شاو و مک کی استدلال کردند که این فرآیند شهری دلیل تمرکز جمعیت و بزهکاری در ناحیه انتقال جمعیت است. جابه‌جایی زیاد جمعیت از شکل گرفتن جامعه باثبات جلوگیری می‌کند و به بی‌سازمانی اجتماعی منتهی می‌شود که نشانه‌های آن عبارت‌اند از: بزهکاری، روسپی‌گری، قماربازی، مصرف غیرقانونی داروهای مخدر، مصرف مشروبات الکلی، پرخاشگری و خانواده‌های ازهم‌گسیخته. این کج‌رفتاری‌ها به این دلیل در مرکز تجارت و بازرگانی رخ می‌دهند که در مراکز انتقال و جابه‌جایی جمعیت، کنترل اجتماعی وجود دارد و کنترل‌هایی از قبیل: افکار عمومی، نظارت همگانی و کنترل خانوادگی آن‌قدر قوی نیستند که از پیدایش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جلوگیری کنند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۴-۱۵۲). مطالعات دانشمندان دیگر نظیر: تراشر، وایت، و لندر نیز نتیجه‌گیری شاو و مک کی را تأیید کردند (صارمی، ۱۳۸۰: ۳۳). اما باوجود اینکه تبیین‌های بوم‌شناختی با تأکید بر بی‌سازمانی اجتماعی در کلان‌شهرها، باعث شناسایی برخی از عوامل مؤثر بر رفتار انحرافی شدند، بر این دیدگاه نیز در بسیاری از جنبه‌ها انتقاداتی وارد شده است. به‌عنوان نمونه، برخلاف تحقیقات جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو که بالاترین نرخ جرم و بزهکاری را در منطقه انتقالی شهر مشاهده کرده و کاهش میزان جرم و بزهکاری را از مرکز شهر به سمت پیرامون نشان داده‌اند؛ در بسیاری از کشورها این الگوی توزیع نرخ جرائم تأیید نشده است. مثلاً در آرژانتین نرخ جرائم در حاشیه‌ها و مناطق پیرامونی شهر بالاتر از سایر مناطق شهر است؛ زیرا بخش‌های فقیرتر شهر نزدیک به حومه‌های آن دیده شده است. به‌علاوه، در این رویکرد، جرائم طبقات پایین جامعه که در مناطق محروم شهر زندگی می‌کنند بررسی شده و کم‌تر به جرائم یقه‌سفیدان توجه شده است. از طرفی، استفاده از آمارهای رسمی که بیش‌تر جرائم و بزهکاری‌های طبقات محروم جامعه در آن ثبت شده و روش تحلیل این آمارها از کاستی‌های روش‌شناختی این دیدگاه است (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۵).

### چارچوب نظری پژوهش

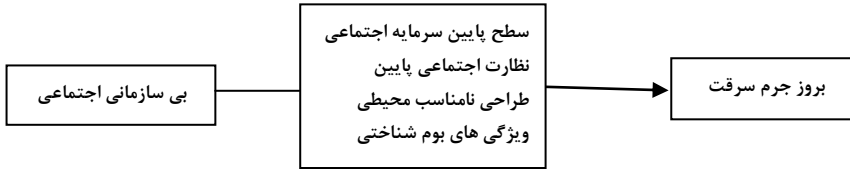
در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی پدیده سرقت، از دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی که بیشتر پوشش نظری برای فرضیات موردنظر دارد استفاده شده است. پیش‌فرض رویکرد



بی‌سازمانی اجتماعی این است که ساختار بی‌سازمان یک محله شهری می‌تواند تبیین‌کننده وجود انواع انحرافات و مسائل اجتماعی در این محلات باشد. پارک به‌عنوان بیان‌گذار مکتب شیکاگو با تأکید بر رابطه بین مهاجرت و بی‌سازمانی اجتماعی، جهان‌اجتماعی را به‌عنوان ترکیبی از گروه‌ها و افراد در حال رقابت در وضعیت دائمی از سازگاری جدید و تعادل می‌بیند. به‌زعم وی مهاجرت و تحرکات جمعیت، نظم اجتماعی را به هم می‌زند که موجب زوال پیوندهای محلی و توانایی ضعیف گروه‌های اولیه مانند خانواده و محله برای اعمال مکانیسم‌های غیررسمی کنترل اجتماعی در محیط شهری است. به‌طور کلی در تئوری بی‌سازمانی اجتماعی از توماس و زنان یکی که بر مهاجرت و فقر تأکید کرده‌اند تا برگس و طرح مفهوم دوایر متحد‌المرکز و شاو مک کی، معتقد هستند که بین ساختار فیزیکی و سازمان اجتماعی شهر و میزان نرخ بزهکاری رابطه وجود دارد. یعنی شرایط بوم‌شناختی، شبکه‌های تعاملی را که ظرفیت تنظیم‌کنندگی محله را حفظ می‌کند، تخریب می‌کند که این حالت افزایش انحرافات اجتماعی را به دنبال دارد (ارشد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹) و دارای ویژگی‌هایی مانند رشد بالای جمعیت، میزان پرده زنی بالا، مستأجران بیشتر، ناهمگونی قومی و امثالهم است. بنابراین برنارد مطرح کرده است که به دلیل ویژگی‌های بوم‌شناختی جامعه بی‌ثبات، و علت گسیختگی همبستگی اجتماعی، فرد از فشار افکار عمومی و نظارت‌های اجتماعی غیررسمی که در گروه‌های منسجم‌تر برای برقراری سازگاری یا هنجارهای متعارف عمل می‌کنند، رها می‌سازد و زمینه‌کنش انحرافی را فراهم می‌آورد (ارشد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰). بنابر اصول تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، در برخی از مناطق شهری، به دلیل پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی و سطح پایین مشارکت اجتماعی، خانواده‌های ازهم‌گسیخته، معماری ضعیف، فقر و ناهمگونی نژادی و مهاجرت، عدم کنترل رسمی و غیررسمی به دلیل مهاجرت، قدرت پایین ساختار کالبدی محیط در برقراری پیوندها و روابط همسایگی نرخ بالای ارتکاب جرم و مجرم شدن بیشتر است (Grated, 2009). بر اساس مباحث مطرح‌شده جهت مستندسازی مبانی مورد استفاده مدل پژوهشی زیر قابل‌تصور است.



## مدل شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش



### فرضیات پژوهش

- بین ویژگی‌های بوم‌شناختی محله و بروز جرم سرقت رابطه وجود دارد.
- طراحی کالبدی محیط بر بروز جرم سرقت تأثیر دارد.
- مؤلفه‌های جمعیت شناختی بر جرم سرقت تأثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر بروز جرم سرقت تأثیر دارد.
- بین کنترل اجتماعی و بروز جرم سرقت رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

از آنجا که در پژوهش حاضر به دنبال توصیف مؤلفه‌های مؤثر بر بروز جرم سرقت هستیم، روش تحقیق توصیفی و نوع پیمایش است. ابزار گردآوری داده‌ها، با توجه به بافت سنتی و خاص فرهنگی جامعه مورد مطالعه، پرسشنامه محقق ساختار طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده است. از آنجا که امکان دسترسی به جامعه مورد مطالعه (سارقین) به دلیل آزادی بسیاری از آن‌ها از زندان امکان‌پذیر نبود به صورت ضمنی با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی تعداد ۱۸۰ نفر انتخاب و مورد نظر سنجی قرار گرفت.

### تعریف مفهومی و عملیاتی پژوهش

#### متغیر وابسته

سرقت: برداشتن چیزی از دیگران بدون رضایت او (ستوده ۱۳۸۶: ۱۵۷).  
در پژوهش حاضر، سرقت به عنوان یک متغیر وابسته مدنظر بوده است و جهت سنجش این مفهوم از شرکت‌کنندگان پرسش‌هایی درباره برداشتن وسایل بدون اجازه مالک، نوع وسایل و شیوه تصاحب آن پرسیده شده است.



## متغیر مستقل

### تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به‌عنوان حسن‌نیت ناشی از بافت روابط اجتماعی شناخته می‌شود و می‌تواند برای تسهیل عمل به حرکت آید. پوتنام (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را چنین طرح کرده است که: فرهنگ اعتماد و تحمل که در آن شبکه‌های گسترده انجمن‌های داوطلبانه یا آن دسته از انتظارات برای عمل در یک نظام اشتراکی که اهداف اقتصادی و رفتار هدفمند اعضای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حتی اگر این انتظارات به سمت حوزه اقتصادی گرایش نداشته باشند (Adler et all, 2002: 16).

### عملیاتی سازی سرمایه اجتماعی

در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماعی مورد بررسی مدنظر بود است. به عبارتی فرض بر این بوده که افرادی که از سطح سرمایه اجتماعی پایینی برخوردار هستند در مقایسه با افراد دیگر، بیشتر احتمال دارد که به رفتارهای خلاف قانون اقدام نمایند. جهت سنجش این مفهوم از ابعاد (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی) در قالب طیف ۶ درجه‌ای لیکرت استفاده شده است که ابعاد و برخی از شاخص‌های آن در جدول زیر تعیین گردیده است.

جدول شماره ۱- شاخص‌ها و گویه‌های سرمایه اجتماعی

مؤلفه	شاخص	معرف	سطح آلفای کرونباخ
اعتماد اجتماعی	اعتماد	اعتماد به دولت، اعتماد به ارتش و پلیس، اعتماد به سیستم آموزشی و بهداشتی، اعتماد به اعضای محله، اعتماد به دوستان و آشنایان، اعتماد به رسانه‌ها	۰/۸۰
	شبکه روابط اجتماعی	تعداد دوستان، کیفیت دیدارها و ارتباط با دوستان، حمایت و مشورت، وسعت روابط، شیوه برقراری ارتباط	۰/۷۵
	مشارکت	شرکت در انتخابات، شرکت در برنامه‌های محله، شرکت در راهپیمایی، عضویت گروهی، شرکت در کارگاه‌های آموزشی	۰/۸۵



### تعریف مفهومی بوم‌شناختی

طبق این دیدگاه، اختلال اجتماعی، نظم اجتماعی را تا حدی مختل می‌کند که کارایی جمعی را تضعیف می‌کند که به‌عنوان تمایل ساکنین برای مداخله مصلحت عمومی تعریف می‌شود (Pizza, E, 2016: 3). و شامل مواردی مانند: فقر، ناهمگونی نژادی، تحرک جغرافیایی، میزان تحصیلات، تراکم جمعیت و میزان جمعیت مردان جوان را دربرمی‌گیرد که در آن فقر با توجه به ارتباط آن با عدم سرمایه‌گذاری اجتماعی و فقدان سازمان اجتماعی تا حد زیادی به‌عنوان مهم‌ترین جنبه سازمان‌زدایی اجتماعی از نظر جرم و جنایت در نظر گرفته می‌شود (Partt and Cullan, 2005: 378).

ناهمگونی نژادی: به‌احتمال اعضای قومیت‌های مختلف ساکن در یک همسایگی اشاره دارد که احتمالات زیادی وجود ارزش‌های متناقض و رقیب را در مورد مناسب بودن رفتار نامشروع نشان می‌دهد (Berg et all, 2012, 412).

تحرک جغرافیایی: به گردش جمعیت اشاره دارد و ساکنان اغلب به سمت یک منطقه یا محله حرکت می‌کنند تا از شکل‌گیری ارزش‌های مشترک جلوگیری کنند (Pizza, E, 2016: 4).

### تراکم جمعیت:

ممکن است با کاهش گمنامی در میان ساکنان به شیوه‌ای که با کنترل اجتماعی تداخل داشته باشد و درعین حال به‌طور هم‌زمان فرصت‌های بیشتری را برای ارتکاب جرم ارائه دهد و باعث ایجاد جرم شود بنابراین درصد جمعیت متشکل از مردان جوان با سطوح بالای جرم و جنایت در ارتباط است. از دیدگاه شناخت اجتماعی، این مشاهده با نوجوانان پسر در ارتباط است که گزارش می‌کنند که توسط دیگر نوجوانان پسر، به جرم و جنایت کشیده می‌شوند (Kubrin and Herting, 2003: 340).

### تعریف عملیاتی مفهوم بوم‌شناختی

یکی از مفروضات پژوهش حاضر این مسئله است که برخی از شاخص بوم‌شناختی می‌تواند از طریق گمنامی، کاهش پیوند محله‌ای باعث شود هزینه فرصت جرم کاهش یافته و بر بروز جرائم و رفتارهای بزهکارانه منجر گردد. بنابراین، این مفهوم





به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماعی - زیستی مدنظر بوده است که از طریق شاخص‌هایی که در جدول زیر ارائه شده است، قابل‌سنجش گردیده است.

جدول شماره ۲- عملیاتی سازی متغیر بوم‌شناختی، شاخص‌ها و معرف‌ها

مفهوم: بوم‌شناختی		
بعد	شاخص	آلفای کرونباخ سطح
فقر	سطح درآمد، وضعیت مسکن، ویژگی‌های اقتصادی مکان هدف	٪۸۰
ناهمگونی نژادی	تمرکز قومی در محل زندگی فرد، تمرکز قومی در محل هدف سرقت، ویژگی‌های مذهبی در محل زندگی مجرم و محل هدف سرقت	٪۸۵
تحرك جغرافیایی	میزان مهاجرین در محل زندگی فرد و محل هدف سرقت، سکونت‌گاه‌های موقت، ازدحام جمعیت و میزان عبور و مرور	٪۹۰

### تعریف مفهومی کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود (کوئن، ۱۳۷۹: ۱۹۷۷).

### عملیاتی کردن کنترل اجتماعی

یکی از مفروضات پژوهش حاضر به این مسئله پرداخته است که وجود سطح بالای کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی، می‌تواند از بروز بزهکاری در محله پیشگیری کند. جهت سنجش این مفهوم به شاخص‌ها و معرف‌هایی توجه شده که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

جدول شماره ۳- عملیاتی کردن مفهوم کنترل اجتماعی

مفهوم	شاخص	سطح آلفای کرونباخ
کنترل اجتماعی	نظارت پلیس، تعداد پاسگاه‌ها در محل، نظارت اعضای محله بر تردد‌ها، همراهی اعضای محله در بروز مشکل	٪۸۰

## تعریف مفهومی طراحی محیطی

طراحی محیطی در واقع به این مسئله می‌پردازد که فرد مجرم یک فرد عقلانی است و برای انجام رفتار خودش به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده عمل می‌کند و در تبیین محاسبه هزینه‌های فرصت جرم است، بنابراین از طریق طراحی محیطی و نوع به‌کارگیری در سازه‌ها در فضا و فناوری‌های امنیتی می‌توان فرصت ارتکاب جرم را برای بزهکار افزایش داده و مانع از بروز جرائم بخصوص سرقت شد (محمودی جانکی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴۸).

## تعریف عملیاتی مفهوم طراحی محیطی

طراحی محیطی یکی دیگر از مفروضات پژوهش حاضر بوده است و فرض بر این بوده است که سارق قبل از اقدام و مشخص کردن مکان هدف، به بررسی شرایط کالبدی محیط و بررسی میزان ریسک‌پذیری آن می‌پردازد. بنابراین با طراحی محیطی در محل و ساختمان‌ها می‌توان از بروز جرائم بخصوص سرقت کاست. طراحی محیطی در دو بعد طراحی فیزیکی و بعد استفاده از تجهیزات امنیتی اشاره دارد. که در جدول زیر شرح معرف‌های آن آمده است.

جدول شماره ۴- معرف‌های مفهوم طراحی محیطی

مفهوم : طراحی محیطی		
شاخص	معرف	سطح آلفای کرونباخ
کالبدی	کوچه‌های بن‌بست، پارک، ساختمان‌های نیمه ساخته و متروکه	٪۷۵
تجهیزات	ویژگی‌های مکان هدف مانند: دوربین مداربسته، دستگاه‌های ضد سرقت، آژیر خطر، میزان روشنایی، نوع شیشه‌ای منازل مسکونی	٪۸۵

## یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر که باهدف شناخت نقش بی‌سازمانی اجتماعی بر روز جرم سرقت صورت گرفته است، پس از تدوین پرسشنامه و توزیع آن در بین پاسخ‌گویان، از طریق کدگذاری در نرم‌افزار تحلیل آماری، داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌های توصیفی

نشان می‌دهد بیشتر پاسخ‌گویان ۵۵٪ در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار داشته‌اند. میانگین سنی ۲۸ سال بوده است. ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان تحصیلات کمتر از دیپلم داشته و عموماً مجرد بوده‌اند. ۳۶ درصد پاسخ‌گویان دچار فقر مطلق اقتصادی بوده‌اند که در محلاتی که تحرک اجتماعی بالا داشته‌اند سکونت دارند. که عموماً این سکونت‌گاه‌ها در بعد طراحی محیطی وضعیت پایدار و مناسبی نداشته‌اند. سطح سرمایه اجتماعی پایین و کنترل اجتماعی رسمی ضعیفی در مناطق سکونت این افراد، از ویژگی‌های اجتماعی آنان است. ارزیابی آزمون‌های استنباطی جهت سنجش فرضیات پژوهش به شرح زیر است:

### ارزیابی مفهوم بوم‌شناختی

یکی از مفاهیم اصلی در پژوهش که با مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی بسیار ارتباط دارد، مفهوم بوم‌شناختی بوده است. نتایج آزمون در ارتباط با این مفهوم نشان می‌دهد که اولاً محل زندگی افرادی که به بزه سرقت اقدام کرده‌اند وضعیت بوم‌شناختی نامناسبی دارند، همچنین علاوه بر این مسئله این افراد مکان‌هایی را برای سرقت انتخاب می‌کنند که با وضعیت بوم‌شناختی مشابهی روبرو باشند. به نظر می‌رسد که ناهمگونی نژادی، تحرک جغرافیایی زیاد موجب گمنامی افراد محله بوده و این امر شرایط بروز جرم را مهیا می‌کند. این نتایج بر اساس آزمون همبستگی پیرسون برای مؤلفه فقر اقتصادی در دو بعد محل زندگی سارق و مکان هدف با مقدار آزمون  $51/70$  با خطای کمتر از ۵ درصد و سطح معناداری ۰۰۰٪ به دست آمده و مؤید این امر است که افزایش فقر اقتصادی می‌تواند بر بروز پدیده سرقت منجر گردد اما برای مکان هدف معنادار نبود به عبارتی می‌توان گفت سارقین کمتر به مکان‌های فقیرنشین دستبرد می‌زنند. برای شاخص‌های ناهمگونی نژادی و تحرک جغرافیایی بر اساس آزمون خی دو و مقدار  $26/7$  و  $37/3$  و سطح معناداری ۰۰۰٪ و ۰۰۸٪ برای هر دو بعد مکان زندگی سارق و مکان هدف معنادار بوده است.

جدول شماره ۵- ارزیابی مؤلفه بوم‌شناختی

sig	ملاک سنجش	مقدار آزمون	درصد فراوانی	فراوانی	بعد
٪۰۰۰	محل زندگی	۵۱/۷۰	۳۶/۲	۶۵	فقر اقتصادی
	مکان هدف				
٪۰۰۰	محل زندگی	۵۱/۷۵	۲۶/۷	۴۸	ناهمگونی نژادی
	مکان هدف				
٪۰۰۱	محل زندگی	۵۱/۷	۳۷/۳	۶۷	تحرک جغرافیایی
	مکان هدف				
		۵۱/۷	۱۰۰	۱۸۰	جمع کل

### ارزیابی طراحی محیطی

با توجه به این که در ارزیابی شاخص‌ها از یک طیف ۶ درجه‌ای استفاده شده است و کدها از بیشترین سطح (۶) به معنای طراحی بسیار مناسب تا پایین‌ترین کد (۱) به معنای نامناسب‌ترین سطح طراحی دسته‌بندی شده است، بنابراین مقادیر کمتر از ۳ به معنای طراحی نامناسب محیطی و مقادیر بیشتر از آن به معنای طراحی مناسب است. با توجه به نتایج آزمون تی تک نمونه می‌توان گفت که ابعاد طراحی محیطی در بعد کالبدی و تجهیزات، در محل زندگی سارق میانگینی برابر با ۱/۱۲ و ۲/۸ داشته که بیان‌گر طراحی بسیار نامناسب کالبدی و استفاده ضعیف از تجهیزات امنیتی است همچنین همین شاخص‌ها با میانگین ۲/۴ و ۱/۹ برای مکان هدف سرقت نیز نشان می‌دهد محیط نامناسب شهری علاوه بر اینکه بر خلق افراد بزهکار تأثیر می‌گذارد بلکه خودش نیز هدفی برای آماج جرم و جنایت است چراکه سارقین جهت کاهش هزینه فرصت جرم محله‌هایی با طراحی کالبدی ضعیف و مکان‌هایی که تجهیزات ایمنی و ضد سرقت ندارند را انتخاب می‌کنند.

جدول شماره ۶- ارزیابی مفهوم طراحی محیطی

sig	مقدار آزمون تی	میانگین	ملاک سنجش	بعد
٪۰۰۰	۳۲/۰۸	۱/۱۲	محل زندگی سارق	کالبدی
٪۰۱	۱۴/۸	۲/۸	محل زندگی سارق	تجهیزات
٪۰۰۰	۱۶/۴	۲/۴	مکان هدف	کالبدی
٪۰۰۰	۱۲/۸	۱/۹	مکان هدف	تجهیزات



### ارزیابی مفهوم جمعیت شناختی

سه مؤلفه سن، سطح تحصیلات و وضع تأهل به‌عنوان شاخص‌های جمعیت شناختی در پژوهش حاضر مدنظر بوده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داده است بین سن و بروز جرم سرقت همبستگی معنادار وجود ندارد. همچنین وضعیت تأهل با بروز سرقت رابطه‌مند نیست. اما نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن با مقدار منفی  $۳۱/۱۸$  با سطح معناداری  $۰.۰۸\%$  با خطای کمتر از  $۵$  درصد معنادار بوده است. بنابراین می‌توان گفت با توجه به مقدار آزمون، پایین بودن سطح تحصیلات اعضای جامعه احتمال افزایش مجرم بودن آنان را ایجاد می‌کند.

جدول شماره ۷. ارزیابی مفهوم جمعیت شناختی

مؤلفه	نام آزمون	مقدار آزمون	Sig
سن	پیرسون	۱۴/۸	٪۵۸
تحصیلات	اسپیرمن	-۳۱/۱۸	٪۰۰۸
وضع تاهل	خی دو	۳۲/۱۲	٪۲۵

### ارزیابی مفهوم سرمایه اجتماعی

در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی با سه شاخص اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داده است که هر سه شاخص سرمایه اجتماعی، با بروز جرم سرقت همبستگی معنادار و مثبت داشته‌اند. به عبارتی با افزایش یا کاهش سطح سرمایه اجتماعی یا هر کدام از شاخص‌های آن، در همان جهت احتمال وقوع رفتارهای انحرافی بیشتر خواهد بود.

جدول شماره ۷. ارزیابی مفهوم سرمایه اجتماعی

مؤلفه	مقدار ضریب پیرسون	sig
اعتماد اجتماعی	٪۵۷۴	٪۰۰۴
شبکه روابط اجتماعی	٪۵۶۱	٪۰۰۲
مشارکت اجتماعی	٪۴۱۲	٪۰۰۵



## ارزیابی مفهوم کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم مرتبط با بی‌سازمانی اجتماعی، در پژوهش حاضر در دو بعد رسمی و غیررسمی و در دو ملاک محل زندگی سارق و مکان هدف سرقت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون مؤید این واقعیت است که کنترل اجتماعی در دو بعد رسمی و غیررسمی بر بروز جرم سرقت تأثیرگذار است. به عبارتی هرچقدر که کنترل و نظارت اجتماعی از طریق پلیس و نهادهای دولتی و همچنین نظارت‌های غیررسمی بر محیط افزایش داشته باشد از یک‌طرف احتمال بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد و از طرف دیگر چنین مکانی اجتماعی به دلیل نظارت و افزایش هزینه جرم، کمتر مورد توجه سارقین برای بروز سرقت قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۸ ارزیابی مفهوم کنترل اجتماعی

sig	مقدار آزمون پیرسون	ملاک سنجش	بعد
/.۰۰۰	/.۳۳۱	محل زندگی سارق	رسمی
/.۰۰۲	/.۴۱۲	محل زندگی سارق	غیررسمی
/.۰۰۰	/.۴۶۱	مکان هدف	رسمی
/.۰۰۰	/.۷۱۲	مکان هدف	غیررسمی

## بحث و نتیجه‌گیری:

سرقت به‌عنوان یک رفتار علیه اموال، همیشه و در همه جوامع شهری و روستایی موجب خسارات مالی و روحی بر اعضای جامعه شده است. پژوهشگران و نهادهای متعددی به ارزیابی موارد مرتبط با سرقت پرداخته‌اند اما کمتر به بررسی و مقایسه مکانی محل زندگی سارق و مکان هدف سرقت توجه شده است. در این راستا مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی از جمله مفاهیمی است که به‌روشنی می‌تواند به این ارزیابی و مقایسه بپردازد. بنابراین می‌توان از شاخص‌هایی مانند، وضعیت بوم‌شناختی، نظارت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، طراحی محیطی و وضعیت دموگرافی برای معرفی مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی استفاده کرد. نتایج آزمون‌های پژوهش به‌خوبی اهمیت بی‌سازمانی اجتماعی بر وقوع جرم سرقت را نشان داده است. به‌طورکلی می‌توان گفت که در شهرها مکان‌های خاصی از یک‌طرف موجب بروز رفتارهای انحرافی در اعضای خود می‌شوند و از طرف دیگر این



افراد منحرف یا مجرم برای ارتکاب جرم خود محیط‌های شهری خاص و کم‌خطرتری را به‌عنوان هدف خود انتخاب می‌کنند. در مکان‌هایی که سازمان اجتماعی منسجمی ندارد، یعنی اینکه اولاً از طراحی کالبدی (روشنایی، امکانات رفاهی، استقرار پاسگاه پلیس و...) مناسبی برخوردار نیست، مکان‌هایی که جنبه انتقالی دارند یعنی تحرک جغرافیایی، ناهمگونی نژادی و فرهنگی زیادی دارند، و نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی بر آنان بسیار کم است بیشتر محتمل سکونت و تربیت افراد بزهکار در خود هستند. این‌گونه مکان‌های شهری به دلیل بافت فرسوده و کم برخوردارتر از خدمات شهری، معمولاً افراد فقیرتری را در خود جای می‌دهند. این عامل با پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی وضعیت را وخیم‌تر می‌کند. بنابراین فقرمالی، وجود محیط کم‌خطر برای بزه‌کاری یک عامل مهم برای تربیت افراد مجرم خواهد بود. از طرف دیگر همین افراد، در صورت تمایل به سرقت، معمولاً مکان‌هایی را انتخاب می‌کنند که از نظر ساختار اجتماعی نیز بی‌سازمان باشد. یعنی محیط‌هایی که ناهمگونی نژادی، وضعیت ضعیف بافت شهری و ضعف در تجهیزات ضد سرقت و کمبود نظارت اجتماعی از ویژگی‌های بارز آن باشد. در نتیجه می‌توان گفت تئوری بی‌سازمانی اجتماعی نقش مهمی در بروز جرم سرقت دارد.



## منابع

- احمدی، حبیب، خواجه‌نوری، بیژن و سید مجید موسوی (۱۳۸۸). عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان دبیرستانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- ارشد، لیلی و علی‌اصغر درویشی فرد (۱۳۹۳). بی‌سازمانی اجتماعی و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۳۶
- بهزاد پور، محمد و ابوالفضل کربلایی حسینی غیاث وند (۱۳۹۷) مطالعه تطبیقی عوامل کالبدی مؤثر بر پیشگیری از وقوع سرقت از ساختمان‌های مسکونی در بافت‌های فرسوده و جدید شهری با استفاده از روش تحلیل شبکه (ANP)، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲، صص ۸۶-۶۵.
- پور غلامی سروندانی، محمدرضا؛ خرم رودی، علی‌اصغر؛ میرشکاران، یحیی و کیانی، جواد (۱۳۹۷) تحلیل عوامل اجتماعی و جغرافیایی مؤثر بر پدیده سرقت در شهرستان بندرعباس، انتظام اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
- جی با، حسین؛ روحانی مقدم، محمد و آقایی بجستانی، مریم (۱۳۹۹) بررسی عوامل مؤثر محیطی در پیشگیری از وقوع سرقت مورد مطالعه: شاهرود، مجله کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش‌ازدور در برنامه‌ریزی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۵۴-۳۷.
- درشتی، حنا (۱۳۹۹) نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن بر سرقت با تأکید بر پدیده مهاجرت (مطالعه موردی: تهران بزرگ)، مجله کارگاه، شماره ۵۰، صص ۸۶-۶۶.
- درگاهی، حسن؛ بیرانوند، امین (۱۳۹۹) عوامل مؤثر بر جرم مالی در ایران با تأکید بر ادوار تجاری و آسیب‌های اجتماعی، مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، شماره ۳۵، صص ۱۵۳-۱۲۷.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ هجدهم.
- سجادیان، ناهید، شجاعیان، علی و حسین کرملاچعب (۱۳۹۱). بررسی مکانی کانون‌های انواع جرائم سرقت در شهر اهواز، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۶۵-۸۹.
- شاکر سلطان احمدی، سیامک؛ شال باف، علی؛ رهبری بنائیان، صمد؛ علی نژاد، الناز و حیدر، امیر پور (۱۳۹۶) تحلیل تأثیر جنبه‌های روانی و اجتماعی در بروز سرقت، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۰۹.





- صارمی نودر، امین (۱۳۸۰). انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض، تهران، انتشارات علوم انتظامی
- کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول ۱۳۹۱.
- کلارک، رونالد و محمدحسن جعفریان (۱۳۸۷). نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره سوم، صص ۳۴۴-۳۵۶
- کوئن، بروس (۱۳۷۹). « مبانی جامعه‌شناسی»، ترجمه رضا فاضل و توسلی، انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
- محمودی جانکی، فیروز و مجید قورچی بیگی (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۳۴۵-۳۶۷
- ممتاز، فریده (۱۳۸۸) انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.

## منابع لاتین

- Adler, Paul S., WOO KWON, SEOK (2002). SOCIAL CAPITAL: PROSPECTS FOR A NEW CONCEPT, *Academy of Management Review*, Vol. 27, No. 1, 17-40
- Berg M, Stewart E, Brunson R, et al. (2012) Neighborhood cultural heterogeneity and adolescent violence. *Journal of Quantitative Criminology* 28(3): 411–435.
- Brantingham PL and Brantingham PJ (1993) Environment, routine, and situation: Toward a pattern of crime. In: Clarke RV and Felson M (eds) *Routine Activity and Rational Choice*. New Brunswick, NJ: Transaction publishers, Volume 5, pp. 259–294.
- Caplan J (2011). Mapping the spatial influence of crime correlates: A comparison of operationalization schemes and implications for crime analysis and criminal justice practice. *Cityscape* 13(3): 57–83.
- Clarke R and Cornish D (1985) Modeling offenders' decisions: A framework for research and policy. In: Tonry M and Norris M (eds) *Crime and Justice: An Annual Review of Research*, Vol. 6. Chicago, IL: University of Chicago Press, pp. 147–186.
- Dahlback Olof (2013) Modelling the Influence of Societal Factors on Municipal Theft Rates in Sweden: Methodological Concerns and Substantive Findings, *Acta Sociologica* Vol. 41, No. 1 (1998), pp. 37-57 (21 pages) Published By: Sage Publications, Ltd.
- Felson. Marcus, Shanhe Jiang & Yanqing Xu (2020) Routine activity effects of the Covid-19 pandemic on burglary in Detroit, *مارس، 2020، Justice Quarterly*, 36(4), 718–748.
- Grated, Ryken (2009). The urban Ecology of bias crime: A study of Disorganized and Defended Neighborhoods, *social problem*, Vol. 56.
- Halford. Eric, Anthony. Dixon, Graham. Farrell, Nicolas Malleon2 and Nick Tilley (2020), Crime and coronavirus: social distancing, lockdown, and the mobility elasticity of crime, *Crime Science*, 4(16), 1–10.
- Kubrin C and Herting J (2003) Neighborhood correlates of homicide trends: An analysis using growth-curve modeling. *Sociological Quarterly* 44(3): 329–350.
- Mao and Dongping Long, (2020), Ambient Population and Larceny-Theft: A Spatial Analysis Using Mobile Phone Data, *ISPRS Int. J. Geo-Inf*, 9(6), 342; <https://doi.org/10.3390/ijgi9060342>.
- Pizza, E, feng, S, Kennedy, L and Caplan, J (2016). Place-based correlates of motor vehicle theft and recovery: measuring spatial influence across neighbourhood context, *urban studies journal*, pp. 1-24, DOI: 10.1177/0042098016664299.
- Pratt T and Cullen F (2005) Assessing macro-level predictors and theories of crime: A meta-analysis. *Crime and Justice* 32: 373–450.



Richard Abayomi Aborisade and Similade Fortune Oni(2020) Sociological Profiling of Armed Robbery Convicts in Kirikiri Female Prisons, Lagos, Nigeria, Published online by Cambridge University Press.